

وقف ملک اجاره ای

محمد جواد جعفری پور

حضرت امام خمینی (ره) در باب وقف از کتاب تحریر الوسیله ذیل مسأله ۲۷ چنین آورده‌اند:
«مسأله ۲۷: اگر ملکی را اجاره دهد و بعد آن را وقف کند، وقف صحیح و اجاره به حال خود باقی است و وقف در تمام مدت اجاره، مسلوب المنفعه است. پس اگر اجاره فسخ و یا اقاله شود، منافع به واقف اجاره دهنده بر می‌گردد، نه به موقوف علیهم.»^۱

آخرأ در حین بررسی پروندههای راکد موقوفات، تصویری از وقف نامه حاجیه فاطمه سلطان خانم بنت حاج محمد مهدی شیرازی^۱ به تاریخ دوم ربیع الثانی ۱۳۲۵ به دست آمد که پیش از آن فقط رونوشتی از آن در پرونده نگهداری می شد.^۲ بررسی سجلات آشکار می سازد که این سند که در کربلا به زبان فارسی تحریر شده توسط جمعی از مفاخر تشیع از جمله آخوند ملا عبدالله مازندرانی^۳ و حاج میرزا آقا بزرگ طهرانی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی^۴ تصدیق شده است. این سند با مسئله ۲۷ کاملاً منطبق است. بنابراین نص سند، واقف خانه‌ای را در محله پاچنار کوچه غربیان تهران به مدت پیست سال کامل به اجاره داده و در عین حال آن را وقف کده است:

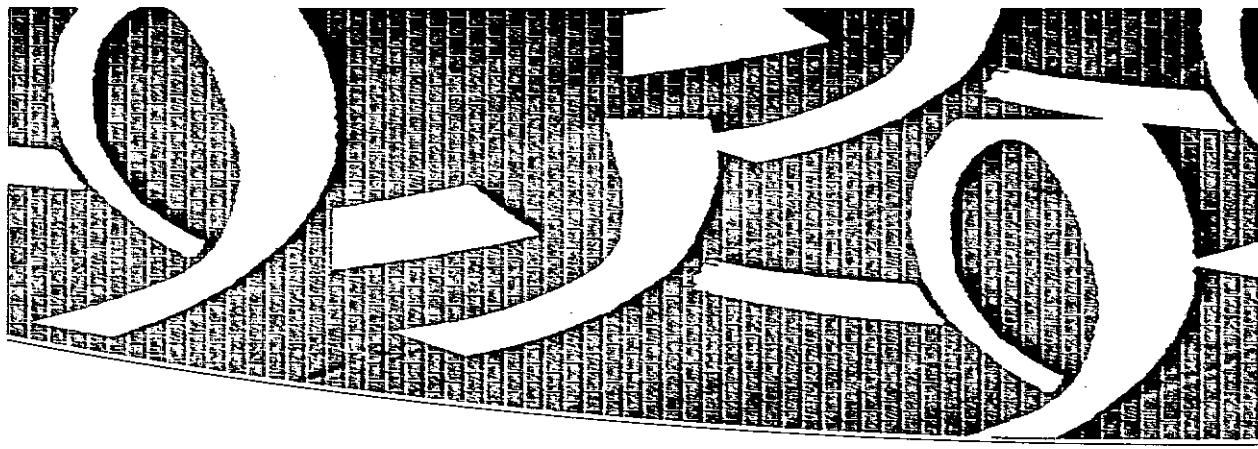
«مجموعه کتابخانه معلومه در دارالخلافه طهران مشتمل به بیرونی و اندرونی در محله پاچنار در کوچه غربیان در مدت بیست سال اجاره داده شده که فعلاً عین موقوفه‌ای مدت بیست سال مسلوب المنفعه می‌باشد...»
بنابراین می‌توان گفت که اسناد آرشیوی، در مستندسازی و درک بهتر احکام فقهی نقش بسزایی دارند.

* * * * *

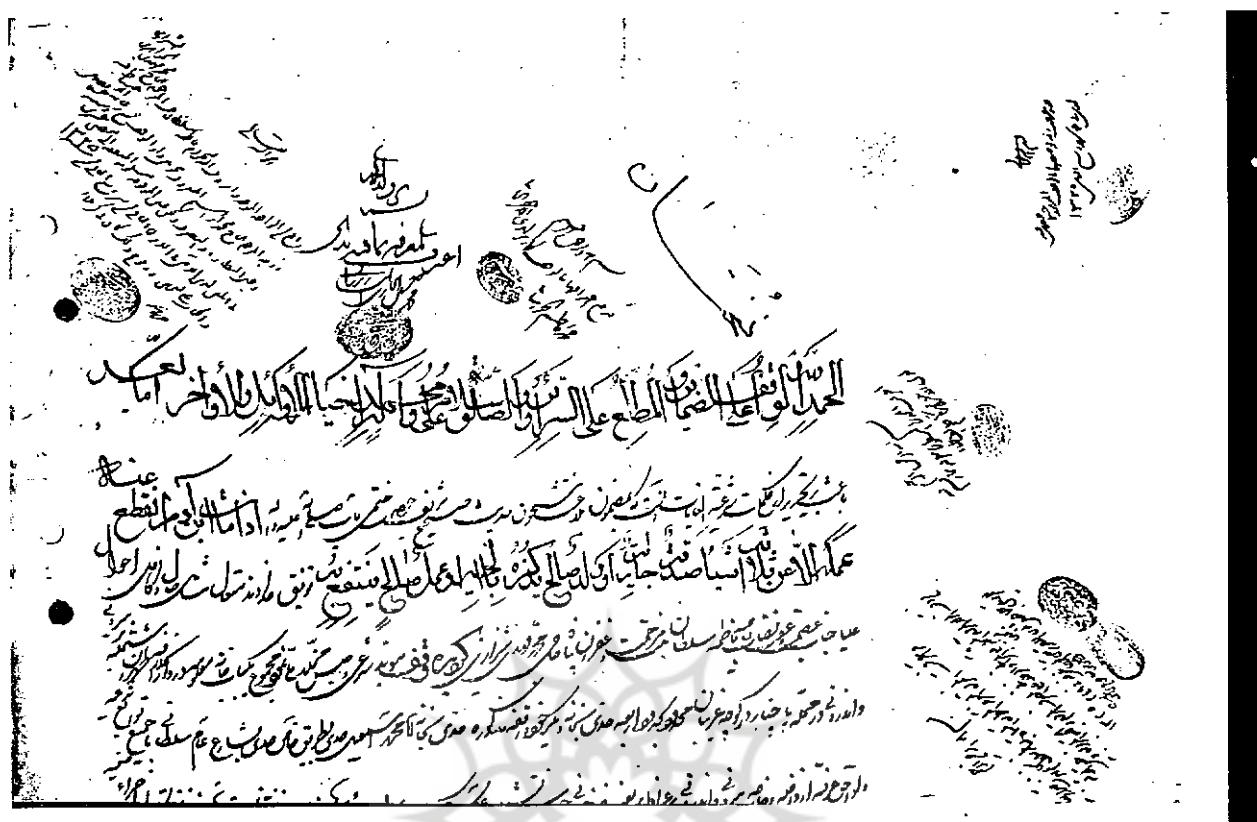
سخنان

١/ الحمد لله الواقف على الضمائر والمطلع على السرائر والصلوة والسلام على محمد وآلـهـ اخيـارـ الاـوـائلـ وـ الاـواـخـرـ اـماـ بـعـدـ

حضرت ختمی مآب صلی اللہ علیہ وآلہ اذامات ابن آدم انقطع عنہ
۲/ باعث بر تحریر این کلمات شرعیة الغایات آن است که به مضمون بلاغت مشحون حدیث صحیح شریف



- ۳/ عمله الاء عن ثلاثة اشياء صدقة جارية او ولد صالح يذكره بالخير او عمل صالح ينتفع به توفيق خداوند متعال حال وكافل احوال
- ۴/ عليا جناب عصمت و عفت نصاب حاجيه فاطمه سلطان بنت مرحومت و غفران پناه حاج محمد مهدى شيرازی گردیده وقف مؤيد شرعی و حبس مخلد ملی نمود مجموع يك باب خانه معلومه در دارالخلافه طهران مشتمله بر بیرونی
- ۵/ واندروني در محله پاچنار در کوچه غربیان محدود به حدود اربعه حدی به خانه دیگر خود واقفه مذکوره حدی به خانه آقا محمد اسماعیل حدی به طریق خاص حدی به شارع عام سلطانی با جمیع توابع شرعیه
- ۶/ لواحق عرفیه از داخله و خارجه بیرونی واندروني بر عزاداری [یعنی روضه خوانی حضرت سید الشهداء علیه السلام که در هرسال مال الا اجاره آن را بعد از انقضای مدت اجاره این در خانه که قبل از] اجرای صیغه
- ۷/ وقف در مدت بیست سال اجاره داده شده که فعلًا عین موقوفه الى مدت بیست سال مسلوب المنفعه می باشد بعد از وضع مصارف لازمه تعمیر آن و وضع خمس که حق التولیه است غیر از
- ۸/ متولیه اولی که خود واقفه باشد به طریق اثلاط قسمت شود دو ثلث آن در عشره عاشورا که دهه اقل محرم الحرام است صرف روضه خوانی حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام شود که مؤمنین را
- ۹/ اطعم دهنده و یک ثلث باقی رادر سه شب احیای ماه مبارک رمضان روضه خوانی کنند و افطار دهنده در کیفیت و کمیت مکان روضه خوانی در دارالخلافه طهران و خارج آن و در خانه مذکوره
- ۱۰/ وغير آن موقوف به نظر و صلاح متولی می باشد و تولیت آن مدام الحیوة با خود واقفه است و بعد از او تولیت راجع به جناب مرتضوی انتساب خیر الحاج حاج سید ماشاء الله ولد مرحوم آقا سید اسماعیل که خارج
- ۱۱/ از اقربا واقفه است لکن او لا دید ماشاء الله داخل در تولیت نیستند و جناب قدس القاب آقا میرزا حسین ولد مرحوم آقا میرزا ابراهیم طهرانی و عالی شان آقا محمد اسماعیل ولد مرحوم حاج محمد ابراهیم طهرانی و عالی جناب زبدة
- ۱۲/ الا طیاب آقا میرزا محمود ولد آقا میرزا ابوطالب و این سه مشارالیهم از ارحام مؤمنی ایها هستند و در صورت فقدان یکی از آنها اولاد آن متولی جزئی از متولی ها خواهد بود

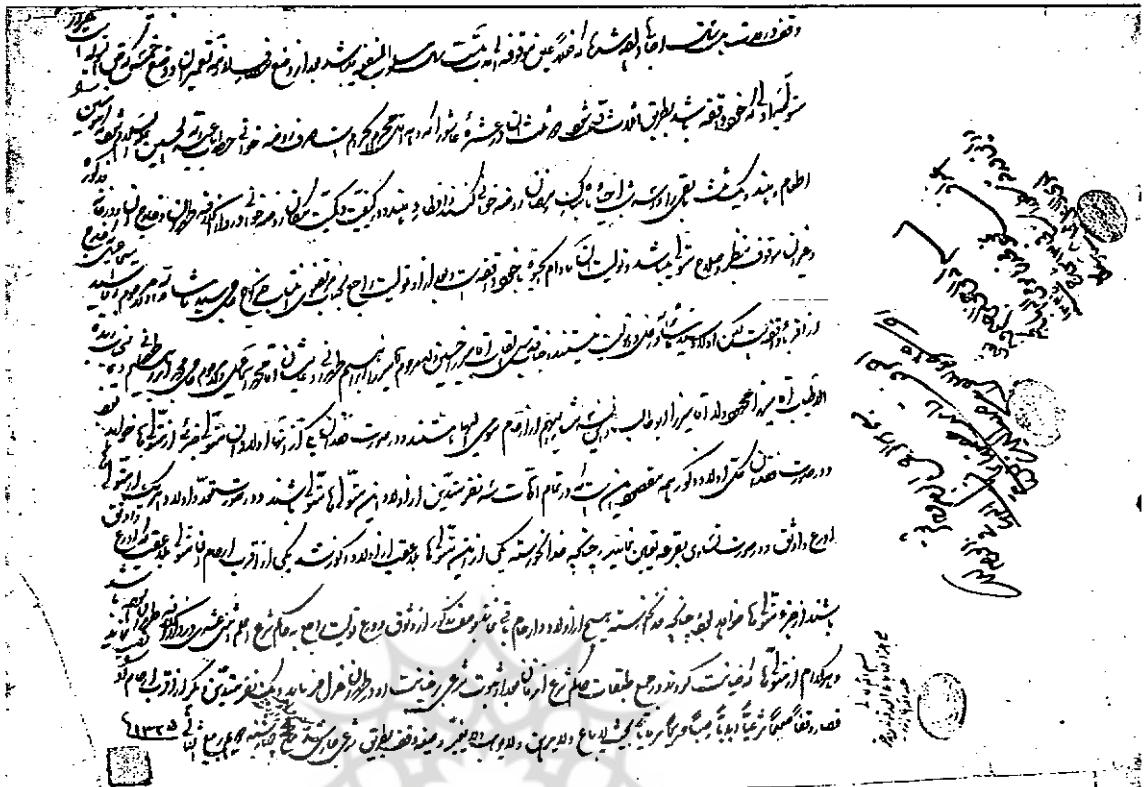


- ۱۳/ در صورت فقدان کل اولاً ذکور همه مقصوداًین است که در تمام اوقات سه نفر متدين ازا اولادین متولی ها متولی باشند و در صورت تعدد اولاد هر یک از متولی ها
- ۱۴/ اورع و اوثق و در صورت تساوی به قرعه تعیین نمایند و چنانچه خداخواسته یکی از این متولی ها بلاعقب از اولاً ذکور شد یکی از اقرب ارحام آن متولی بلاعقب که اورع و اوثق
- ۱۵/ باشند از جزء متولی ها خواهد بود و چنانچه خداخواسته هیچ ازوا لا دوار حرام باقی نماند به وصف مذکور از وثوق و ورع تولیت راجع به حاکم شرع اعلم اثنی عشری در دارالخلافة طهران بوده باشد
- ۱۶/ و هر کدام از متولی هاکه خیانت کردند در جمع طبقات حاکم شرع آن زمان بعد از ثبوت شرعی بر خیانت او در طهران عزل فرماید و یک نفر متدين دیگر از اقرب ارحام او را نصب نمایند
- ۱۷/ فصار وقفاً صحيحاً شرعاً أبداً و حبسأً صريحاً شرعاً بحيث لا يباع ولا يرهن ولا يوهب ولا يغير وصيغة وقف به طريق شرعی جاری شد و به تصرف وقف داده شد به تاريخ چهارشنبه دوم ربیع الثانی سنّة ۱۳۲۵.
- [مهر چهارگوش کوچک: [«يا فاطمه»^۷

سجلات صدر سند:

۱/ هو الله تعالى

وقع في الواقفة الموفقة زائرة بيت الله الحرام فاطمة سلطان بنت المرحوم الحاج محمد مهدى الجواهري الشيرازى زوجة المرحوم الحاج محمد ابراهيم المعروف بتحويلاً دار الوقف مع رعاية الاحتياط فيه وجعل النظارة والتصرف ولكن عين الموقفة مسلوبة المنفعة الى مضى عشرين سنة حسبما فصل فى المتن لدى الاقل فى الاربعاء الثانى فى شهر



ربع الثاني في سنة ۱۳۲۵ و الكتاب على نسختين و وقوع ذلك كان في كربلاء حرر [مهر بیضی شکل به قلم نستعلیق:] «المتوكل على الله عیسی ابن محمد جعفر»^۸

۲/ بسم الله و له الحمد

اعترف المعرفة بما فيه لدى محمد حسين الحایری المازندرانی. [مهر بیضی شکل به قلم نستعلیق:] «المتوكل على الله عبده محمد حسين بن زین العابدین»

۳/ بسم الله الرحمن الرحيم

قد صر اعترافها بالوقف كما زبر لدى الا حقر الجانی محمد کاظم الخراسانی. [مهر بیضی شکل به قلم نستعلیق:] «محمد کاظم»

[سجلات حاشیه راست متن:]

۴/ بسم الله تعالى

قد اعترف زید توفيقها بالوقف المزبور حسبما فصل فيه لدى في ۴ شهر ربيع الثاني ۱۳۲۵. [مهر بیضی شکل به قلم نستعلیق:] «عبده الراجی مسیح»^۹

۵/ بسم الله الرحمن الرحيم

اعترفت المخدرة المسطور معرفة بما رقم فيه لدى الا حقر محمد کاظم الطباطبائی. [مهر بیضی شکل به قلم نستعلیق:] «محمد کاظم الطباطبائی»

۶/ بسم الله الرحمن الرحيم

قد اعترف المخدرة المعرفة المسطور المسماة بفاطمه سلطان خانم زیدت خدارتها... في وقف الدار المرقومة المشتملة على على المصرف المرقوم وبجهة المزبورة وجعل التولية للمرقومين حسبما فصل في النسختين

لدى الا حقر مرتضى ... فى ع ٩٢٥٢ [مهر بىضى شكل به قلم نستعليق:] (درکنار مهر ناخوانا) «مرتضى بن محمد حسن»

٧/ بسم الله الرحمن الرحيم وبه ثقتي

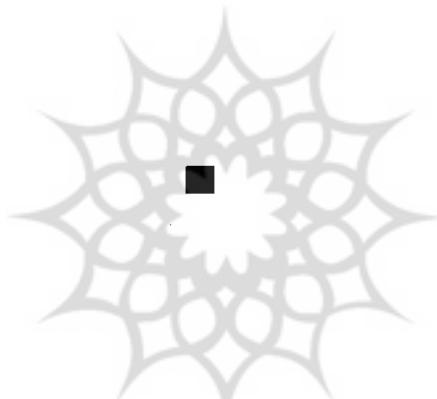
اعتراف نمود مخدراً مؤمی إليها به آنچه در این ورقه مسطور است في ١٣ ش ج سنة ١٣٢٥ لدى الاقل سيد
الصدر [مهر بىضى شكل به قلم نستعليق:] «محمد مهدی الموسوی»

٨/ بسم الله الرحمن الرحيم وبه ثقتي

اعترف دامت عصمتها بما نسب إليها في الورقة لدى سنه ٢٥ حرره الا حقر ابن صدرالدين ... [مهر
بيضى شكل به قلم نستعليق:] «عبده اسماعيل الموسوی»

٩/ بسم الله تعالى

صح اعترفها بما في الورقه لدى الا حقر عبد الله المازندراني. [مهر بىضى شكل به قلم نستعليق:] «قال انى
عبد الله»



پی نوشت ها

١. مجموعة قوانين و مقررات اوقافی، به کوشش سازمان اوقاف و امور خیریه، چ ٢، ١٣٧٦: ص ٣٥.
٢. پرونده ٦٨٤ تهران در آرشیو سازمان اوقاف.
٣. ر.ک.: رضابی، امید (١٣٨٦): فهرست اسناد موقوفات ایران، دفتر چهارم، تهران و توابع: جلد اول، تهران: بنیاد پژوهش و توسعه فرهنگ وقف: ص ٢٧٣.
٤. رجبی، محمد حسن (١٣٨٢): علمای مجاهد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی: ص ٤٣٧.
٥. همان: ص ١٢-٨.
٦. این قسمت از متن در زیراکس وقف نامه نیفتاده بود و از رونوشت استفاده شده است.
٧. به نقل از رونوشت.
٨. به نقل از رونوشت.
٩. به نقل از رونوشت.
١٠. به نقل از رونوشت.
١١. به نقل از رونوشت.